فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۲۰، شماره ۲، زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۳۶-۱

بررسی جامعه‌شناختی از نیمرخ وضعیت اجتماعی در بین شهروندان اهواز (مطالعه چهار متغیر کلیدی نشانگر وضعیت اجتماعی)

دکتر رضا صفری شالی [۱]، محمد شمشیری نیری [۲]

تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۸

چکیده:

این پژوهش در قالب پارادایم اثباتی و استراتژی قیاسی و با رویکردی کمّی به بررسی وضعیت اجتماعی (مطالعه چهار متغیر کلیدی مشارکت اجتماعی، قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی) در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اهواز پرداخته است. جامع آماری تحقیق شامل ساکنان ۸ منطقه شهری بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و بر اساس فرمول کوکران، ۳۴۰۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته، شامل مؤلفه‌های مشارکت عملی، روحیه مشارکت، قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی و رضایتمندی جمع‌آوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری تحلیل واریانس یک‌راهه و تی مستقل تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی، روحیه مشارکت، قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی و رضایتمندی در مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (P<۰.۰۰۱). به‌طور مشخص، منطقه ۶ بالاترین مشارکت عملی (۲۳/۹۶) و منطقه ۳ بالاترین روحیه مشارکت (۱۸/۰۰)، قانون‌گرایی (۲۹/۲۹)، اعتماد اجتماعی (۲۴/۵۶) و رضایتمندی (۳۰/۶۸) را داشت. همچنین، مردان، افراد بالای ۵۰ سال، متأهلین، دارندگان تحصیلات عالی و قوم لر در روحیه مشارکت و قوم فارس در قانون‌گرایی و رضایتمندی، بالاترین میانگین را نشان دادند. این مطالعه تصویر جامعی از وضعیت مشارکت اجتماعی در سطح محلات اهواز ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی برای تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهری باشد.

مفاهیم کلیدی: *مشارکت اجتماعی، قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، رضایتمندی، شهر اهواز*

---

[۱] دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
reza_safaryshali@khu.ac.ir

[۲] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران
mohammad.shamshiri@khu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

پژوهشگران حوزه اجتماعی معمولاً متغیرهایی را مطالعه می‌کنند که در سطح کلان جامعه و در تعامل بین افراد، نهادها و مسئولان نقش‌آفرینی می‌کنند. از این‌رو، مهم‌ترین متغیرهای این حوزه شامل قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، مشارکت عمومی و رضایت‌مندی است که به تنظیم روابط در دو سطح افقی (بین مردم) و عمودی (بین مردم و مسئولان یا نهادها) می‌پردازند. این متغیرها هم در سطح روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی و هم در حالت تعمیم‌یافته و گسترده خود حائز اهمیت هستند.

بدین ترتیب، چهار مفهوم کلیدی مانند حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوند خورده‌اند: قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، مشارکت عمومی و رضایت‌مندی. این چهار عنصر در تعاملی پیچیده، چالش‌های متعددی برای توسعه شهری ایجاد کرده‌اند. مطالعات انجام‌شده در شهر اهواز حاکی از وجود یک چرخه معیوب است که در آن، کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی، مشارکت شهروندان را کاهش داده و این خود به تضعیف فرهنگ قانون‌پذیری انجامیده است. در اینجا، قانون‌پذیری نه به معنای ایستایی، بلکه به معنای پذیرش منطق قانون در پویایی جامعه است (*Shojaeizand, 2000:36*). واقعیت این است که در این کلان‌شهر، با توجه به آمار موجود که نشان می‌دهد حدود یک‌سوم جمعیت در مناطق حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند، مشکلاتی مانند بیکاری و فقر ـ همان‌طور که *Alipour & et. al., 2009:12* به آن اشاره کرده‌اند ـ شرایط را برای شکل‌گیری و تداوم این چرخه معیوب فراهم کرده است. *Seligman, 1998:13* به نقل از *Suurendonk, 2022:75* معتقد است در جوامع مدرن، اعتماد باید به صورت عام و تعمیم‌یافته درآید، اما در اهواز مشاهده می‌شود که اعتماد عمدتاً محدود به روابط خویشاوندی و محلی باقی مانده است.

این مسئله اجتماعی وقتی پیچیده‌تر می‌شود که در نظر بگیریم اعتماد به‌عنوان «انتظار رفتار مبتنی بر حسن نیت از دیگران»، شرط ضروری هر گونه رابطه اجتماعی است و فقدان آن موجب اختلال در تعاملات می‌گردد. در اهواز، کاهش اعتماد عمومی نه تنها کیفیت زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده، بلکه هزینه‌های مدیریت شهری را نیز به شدت افزایش داده است (*Mohammadi Shekiba, 1996:33*).

مسئله اساسی اینجاست که فلاسفه بزرگی مانند افلاطون در کتاب «جمهور» (*Plato, 2003*) و ارسطو در کتاب «سیاست» (*Aristotle, 2002*) به این نکته پایه‌ای اشاره کرده‌اند که مشارکت فعال شهروندان برای تحقق جامعه‌ای سالم ضروری است. اما در اهواز، ضعف در مشارکت اجتماعی به تشدید مشکلات انجامیده است. این در حالی است که قانون به‌عنوان

ضابطه‌ای کلی و ضروری برای نظم و امنیت اجتماعی، پایه اساسی انسجام جامعه محسوب می‌شود.

رضایت‌مندی از وضعیت اجتماعی به‌عنوان متغیر دیگر این پژوهش، هم به‌عنوان نتیجه و هم به‌عنوان علت در این چرخه عمل می‌کند. از یک‌سو، نارضایتی از وضعیت مسکن، خدمات شهری و امکانات عمومی (که به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین اهواز مشهود است) می‌تواند به کاهش حس تعلق شهری و افت مشارکت اجتماعی بینجامد (*Soltani & et. al, 2016*). از سوی دیگر، کاهش رضایت‌مندی شهروندان از عملکرد نهادهای شهری می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی منجر گردد.

سؤال محوری این پژوهش این است: چگونه می‌توان این چرخه معیوب و درهم تنیده را شکست داد یا ترمیم نمود؟ آیا در فرآیند آموزش و جامعه‌پذیری، با تقویت فرهنگ قانون‌پذیری می‌توان بر مسئله فائق آمد، یا باید با بسترسازی برای تقویت سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به مثابه وجدان عمومی، مسئله اجتماعی مذکور را کاهش و زمینه‌های مشارکت فعال شهروندان در امور اجتماعی را فراهم آورد؟

این مسئله اجتماعی وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم حل آن می‌تواند زندگی بیش از یک میلیون نفر را تحت تأثیر قرار دهد. همان‌طور که*Fukuyama, 1999:62* اشاره کرده، اعتماد و مشارکت دو رکن اساسی سرمایه اجتماعی هستند که نبود آن‌ها هزینه‌های سنگینی بر جامعه تحمیل می‌کند. در اهواز، این هزینه‌ها به شکل کاهش کیفیت زندگی، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و کاهش کارایی مدیریت شهری متجلی می‌شود.

راه حل این معضل اجتماعی احتمالاً در رویکردی جامع نهفته است که همزمان به تقویت اعتماد عمومی، گسترش مشارکت شهروندان و نهادینه‌کردن فرهنگ قانون‌گرایی توجه کند. همان‌طور که تجربیات جهانی نشان می‌دهد، بدون توجه همزمان به این سه بُعد، نمی‌توان به توسعه پایدار شهری دست یافت. این چالش اجتماعی در اهواز نیازمند عزمی ملی و برنامه‌ریزی دقیق است تا بتوان چرخه معیوب فعلی را به چرخه‌ای مثبت متشکل از اعتماد، مشارکت و قانون‌گرایی تبدیل نمود.

پیشنه پژوهش

با توجه به اینکه نوشتار حاضر به بررسی وضعیت اجتماعی می‌پردازد و با توجه به بررسی صورت گرفته پژوهش مستقلی با این عنوان انجام نشده است، لذا در این قسمت به بررسی نزدیک‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه پرداخته خواهد شد. در این راستا، به تحلیل سرمایه

اجتماعی و چهار مفهوم اصلی آن شامل «اعتماد اجتماعی»، «مشارکت اجتماعی»، «قانون‌گرایی» و «رضامندی» خواهیم پرداخت.

الف) تحقیقات داخلی

صفری شالی (۱۴۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل سرمایه اجتماعی در بین ایرانیان" تأکید می‌کند که ماندگاری هر جامعه به سطح سرمایه اجتماعی آن بستگی دارد. نتایج پیمایش‌های ملی نشان‌دهنده کاهش سرمایه اجتماعی در ابعاد اعتماد و رضایت نهادی است، به‌طوری که نمره سرمایه اجتماعی در این حوزه‌ها از ۴۳/۵۰ در سال ۱۳۹۴ به ۳۶/۷۵ در سال ۱۴۰۰ کاهش یافته است. این وضعیت در خوزستان و در شهر اهواز نیز مشاهده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که افراد به‌دلیل کاهش امید به آینده، به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فردی و بین‌فردی روی آورده‌اند که منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی جزیره‌ای شده است. با این حال، ارتباطات اجتماعی مبتنی بر فضای مجازی و روابط حرفه‌ای در حال شکل‌گیری است که نشان‌دهنده تغییر در تعاملات اجتماعی است.

ذوالفقاری (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان « تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتماد سیاسی از منظر افکار عمومی مردم یزد» به این نتیجه رسید که بین متغیرهای انسجام اجتماعی ـ سیاسی، تعلق مذهبی، محرومیت نسبی، هویت ملی، مصرف رسانه‌ای، عدالت اجتماعی و قانون‌گرایی با اعتماد سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج بر حسب رگرسیون چندگانه حاکی از آن بود که هویت ملی، مصرف رسانه‌ای، عدالت اجتماعی، انسجام سیاسی اجتماعی، قانون‌گرایی و عدالت اجتماعی به ترتیب بیشترین اثر را بر اعتماد سیاسی داشتند.

رحمانی لشگری و همکاران (۱۴۰۳)، در مقاله «تحلیلی بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماعی محلات، مطالعه موردی: محلات منطقه ۸ شهر تهران» که با روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. در این پژوهش آمده است که مشارکت اجتماعی شهروندان بر توسعه پایدار محلّات اثر مثبت دارد و رابطه این متغیّرها با هم معنادار است و متغیّرهای اعتماد، مشارکت در فعالیت‌های محله، رضایت از محله و حسِ تعلق به مکان بر متغیر مشارکت اجتماعی تأثیر مثبت دارند.

احسانی و همکاران (۱۴۰۳)، در مقاله «ارزیابی نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه و نگهداری فضاهای سبز شهری (مورد مطالعه شهر قوچان)» که با روش پیمایشی انجام شده است. در این پژوهش آمده است که با افزایش توان اقتصادی شهروندان، میل آنها به توسعه و نگهداری فضاهای سبز شهری به صورت قابل توجهی افزایش می‌یابد و بالا رفتن دانش محیط

زیستی، عوامل اجتماعی و فرهنگ‌سازی کمک زیادی به توسعه و نگهداری فضای سبز شهر قوچان می‌نماید.

فاضلی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله «بررسی جامعه‌شناختیِ عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهرستان‌های جوانرود و روانسر)» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است. در این پژوهش آمده است که با میزان مشارکت اجتماعی متوسط در این دو شهرستان است و رابطه معنی‌داری بین متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی، تحصیلات، سن و جنسیت) با متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) وجود دارد، اما بین متغیر طبقه اجتماعی با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نیازی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و پایداری نسبت به تمایل مشارکت اجتماعی شهروندان شهر کاشان» که با روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه انجام شده است، بیان کردند، متغیرهای اعتماد اجتماعی و پایداری بر تمایل به مشارکت اجتماعی مؤثرند و می‌توان تمایل به مشارکت را بر اساس این متغیرها تبیین نمود. نتایج آزمون تی نشان داد که وضعیت اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان شهر کاشان متوسط و در حدِّ مطلوب و وضعیت پایداری در بین شهروندان شهر کاشان در حد نامطلوب و ضعیف می‌باشد.

لطفعلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با هدف، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان اهواز انجام دادند. نتایج آماری این پژوهش نشان می دهد که به‌طور کلی مشارکت اجتماعی زنان بیشتر از مردان بوده است. بین متغیرهای مستقل دینداری، اعتماد اجتماعی، تعلق اجتماعی و پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، وضعیت تأهل) با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ ولی بین احساس بی‌قدرتی و مشارکت رابطه معکوس و معناداری وجود داشته است. بین مشارکت اجتماعی متأهلین، مجردین و رده سنی افراد تفاوت معناداری وجود نداشت. بنابراین بین جنس و سن با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه‌ای دیده نشد.

عموزاده و همکاران (۱۴۰۳)، در بررسی عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی نشان دادند که بین عوامل اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، کسب عزت با مشارکت سیاسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، درحالی‌که آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و کسب منفعت، بر افزایش مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان ایلام تأثیر نداشته‌اند.

هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان» نشان دادند که اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن به دو شکل اصلی تقسیم می‌شود: اعتماد به گروه‌های خودی (روابط بین فردی) که سطح بالاتری دارد و اعتماد به نهادها و سازمان‌ها (گروه‌های غیر خودی) که سطح پایین‌تری دارد. بر اساس تحلیل‌های آماری، عواملی مانند فضای اخلاقی مناسب، احساس امنیت و انسجام اجتماعی بیشترین تأثیر مثبت را بر افزایش اعتماد اجتماعی دارند، در حالی که عواملی چون محرومیت اقتصادی و بیگانگی اجتماعی تأثیر منفی و کاهنده بر اعتماد عمومی دارند. این یافته‌ها حاصل پژوهش‌های میدانی در شهرهای تهران، قزوین و قم می‌باشد.

ب) تحقیقات خارجی

Haoran Xu & Xiaomei Liu (2025) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت اجتماعی در اصلاحات اجتماعی: تحلیل کیفی رویه‌های عدالت در چین» که با رهیافت کیفی (مصاحبه) انجام شده است، بیان کردند که در چین، اجرای گسترده اصلاحات اجتماعی یک استراتژی کلیدی است و این استراتژی به‌طور برجسته مشارکت اجتماعی را به‌عنوان یک عنصر حیاتی می‌بینند. این مطالعه نشان می‌دهد که اصلاح الگوی مشارکت اجتماعی تحت رهبری دولت می‌تواند استراتژی‌های مؤثرتری برای افزایش مشارکت مدنی و بهبود اثربخشی اصلاح جامعه ارائه دهد.

Alvarado Vazquez (2024) در تحقیقی با عنوان «مشارکت اجتماعی در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت فضاهای عمومی: مورد مکزیک» که با رهیافت کیفی (مطالعه موردی) و با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شده است، بیان کردند، رویکردهای بالا به پایین اغلب در مشارکت، همکاری و در نظر گرفتن بازیگران اجتماعی در فرآیند برنامه‌ریزی، طراحی و نگهداری فضاهای عمومی شکست می‌خورند. آنها نشان دادند که دولت چگونه می‌تواند از مشارکت اجتماعی برای اجرای برنامه‌های مشارکتی در این فرآیند حمایت کند.

Levasseur (2024) در مقاله‌ای با عنوان «امکان‌سنجی افزایش مشارکت اجتماعی برای سالمندان دارای معلولیت» که با رهیافت کیفی (مصاحبه) و با هدف انطباق کمک‌های شخصی شهروندان برای مشارکت اجتماعی برای افراد مسن دارای معلولیت و بررسی امکان‌سنجی آن انجام شده است. نشان داد که حمایت شخصی شهروندان برای ادغام جامعه، فرصت‌های جدیدی را برای بزرگسالان مسن است تا به یکپارچگی جامعه دست یابند و

زندگی اجتماعی و منابع خود را تقویت کنند، در حالی که امکان پرداختن به اولویت جهانی «پیری خوب» را تأیید می‌کند.

Baeriswyl & Oris (2023) در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی در میان سالمندان: تنوع شیوه‌ها و نابرابری اجتماعی در سوئیس» که با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام شده است، نشان دادند که اهمیت ترکیب اشکال چندگانه مشارکت را برای رضایت از زندگی برجسته کرد و نشان داد که برخی از اشکال از جمله مشارکت در انجمن‌ها، ملاقات با خانواده یا دوستان و حضور در کلیسا بسیار معنادار هستند. هنگام مقایسه تفاوت‌های میان سالمندان، داشتن طیف وسیعی از تعاملات اجتماعی، درگیر شدن در گروه‌ها و حفظ ارتباط خصوصی با غریبه‌ها، منحصر به فردتر به نظر می‌رسد. برخلاف اهمیت جامعه‌پذیری نهادینه شده و خصوصی برای رضایت از زندگی سالمندان، سنتی‌ترین اشکال ادغام، مانند خانواده و مذهب، برای قشر آسیب‌پذیرتر حیاتی هستند.

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی، به‌ویژه در ابعاد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، قانون‌گرایی و رضامندی، نقش تعیین‌کننده‌ای در وضعیت اجتماعی جوامع ایفا می‌کند. پژوهش‌هایی مانند مطالعه صفری شالی (۱۴۰۳)، حاکی از کاهش سرمایه اجتماعی در ایران، به‌ویژه در حوزه اعتماد نهادی و رضایت سازمانی است، به‌طوری که این کاهش منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی جزیره‌ای و روی‌آوردن افراد به سرمایه‌گذاری‌های فردی و گروهی محدود شده است. همچنین، تحقیقاتی مانند هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) و نیازی و همکاران (۱۴۰۱)، تأکید دارند که اعتماد اجتماعی، به‌ویژه اعتماد بین فردی، پیش‌نیاز اساسی مشارکت اجتماعی است و عواملی مانند هویت ملی، عدالت اجتماعی و قانون‌گرایی بر آن تأثیر می‌گذارند. با این حال، به رغم توجه به این ابعاد، برخی خلأهای پژوهشی مشهود است، از جمله تحلیل ناکافی تأثیر این چهار متغیر با هم بر تحول سرمایه اجتماعی، بررسی الگوهای جایگزین مشارکت در شرایط کاهش اعتماد نهادی، و کمبود چنین مطالعه‌ای در مناطق مختلف ایران. علاوه بر این، پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر شهرهای بزرگ متمرکز بوده‌اند و داده‌های کمّی درباره مناطق محروم محدود است. این در حالی است که مطالعات بین‌المللی، مانند پژوهش‌های *Oris & Baeriswyl & Levasseur (2024)* *(2023)*، نشان می‌دهند که مشارکت اجتماعی برای این گروه‌ها نیازمند طراحی سیاست‌های خاص است. بنابراین، این مطالعه بر آن است تا با تمرکز بر تحلیل روندهای جدید سرمایه اجتماعی در ایران، و کاربست چهار متغیر در منطقه اهواز، به درک بهتری از تحولات اجتماعی معاصر دست یابد و خلأهای موجود در ادبیات پژوهش را پوشش دهد.

این پژوهش بر این دیدگاه است که برای برآورد وضعیت اجتماعی لازم است که به چهار مفهوم اصلی «اعتماد اجتماعی»، «مشارکت اجتماعی»، «قانون‌گرایی» و «رضامندی» پرداخته شود.

الف) اعتماد اجتماعی

وضعیت اجتماعی هر جامعه نشان‌دهنده شرایط لازم برای توسعه اجتماعی و زمینه‌سازی برای از قوه به فعل درآمدن سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی و حتی تبلور سرمایه نمادین است. لذا چهار متغیر کلیدی (قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، مشارکت عمومی و رضایت‌مندی) در شناخت وضعیت اجتماعی بسیار موثر هستند؛ که در اینجا به بررسی نظری و تعامل آنها در شناسایی وضعیت اجتماعی هستیم.

اعتماد به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های حیات اجتماعی، در نظریات مختلف جامعه‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه زیمل، اعتماد نوعی ایمان و اعتقاد افراد به جامعه محسوب می‌شود که بدون آن روابط اجتماعی دچار اختلال می‌گردد (*Amirkafi, 1996: 91*). ماکس وبر نیز در نظریه کنش عقلانی خود، اعتماد را شرط لازم برای رفتارهای معطوف به هدف می‌داند و معتقد است این پدیده ریشه در منافع فردی و گروهی دارد (*Zainabadi, 2008: 13*).

Inglehart, 1994: 447 اعتماد اجتماعی را به‌عنوان ابزار لازم و اساسی در جهت مشارکت اجتماعی قلمداد کرده و آن را بدین صورت تعریف می‌کند: «اعتماد، رفتار دیگری به طرز قابل پیش‌بینی و دوستانه خواهد بود». *Fukuyama1999:190* در بحث سرمایه اجتماعی، اعتماد را مشارکت در ارزش‌ها و هنجارهای غیر رسمی در میان اعضای گروه می‌داند و معتقد است کاهش اعتماد اجتماعی به کاهش سطح تعهدات اجتماعی و پایین آمدن میزان مشارکت‌های اجتماعی منجر می‌شود (*Coleman, 1998: 297*). اعتماد را در متن کنش‌های انسانی تحلیل می‌کند و معتقد است گروهی از افراد که واقعاً به یکدیگر اعتماد دارند، در قیاس با گروهی که فاقد چنین اعتمادی هستند، از قوای همکاری بیشتری برخوردارند (*Putnam, 1995:170*). نیز اعتماد اجتماعی را مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی می‌داند که می‌تواند کارایی جامعه را از طریق کنش‌های متناسب تسهیل کند. لومان به نقل از امیرکافی با رویکردی سیستمی، اعتماد را ساز و کاری برای کاهش عدم قطعیت اجتماعی می‌داند. به اعتقاد او، اعتماد انتظارات افراد را تنظیم و رفتارهایشان را هدایت می‌کند، هر چند همواره احتمال نقض اعتماد وجود دارد. لومان قانون و قدرت مشروع را به‌عنوان ابزارهایی

برای کاهش خطرات ذاتی در اعتماد معرفی می‌کند. در سطح کلان، اعتماد اجتماعی به همراه تعهد و عواطف متقابل، سه پایه اساسی انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ویژگی منحصر به فرد اعتماد، آسیب‌پذیری بالای آن است؛ به‌طوری که اعتمادهای سی ساله بین شخصی با یک خطای کوچک فروپاشی می‌شود در شرایط فقدان اعتماد، مکانیسم‌های جایگزینی شکل می‌گیرند که معمولاً جنبه‌های آسیب‌شناختی داشته و به تضعیف انسجام و وفاق جمعی می‌انجامند. امروزه اهمیت اعتماد در عرصه‌های امنیتی نیز به رسمیت شناخته شده است. از یک‌سو اعتماد به‌عنوان منبعی برای بسیج منابع قدرت اجتماعی عمل می‌کند و از سوی دیگر فقدان آن به انزواگرایی، بی‌اعتمادی به ساختارهای رسمی و فروپاشی سرمایه‌های اجتماعی منجر می‌شود (*Luhmann, 1995: 34; Quoted by Amir Kafi, 2001: 10*).

ب) مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی به‌عنوان فرآیندی سازمان‌یافته و آگاهانه، نقش محوری در توسعه جوامع ایفا می‌کند. بر اساس دیدگاه (*Bureau, 1991*)، مشارکت دارای دو وجه متمایز است: هم به‌عنوان وضعیت (شرکت کردن) و هم به‌عنوان عمل متعهدانه (عمل مشارکت). این نگاه دوگانه نشان می‌دهد که مشارکت صرفاً حضور فیزیکی نیست، بلکه مستلزم تعهد فعالانه افراد در فرآیندهای جمعی است. از منظر رابرت مرتن، تحلیل مشارکت باید شامل بررسی وضعیت مشارکت‌کنندگان، تمایز بین انگیزه‌ها و رفتارهای مشارکتی، و الگوهای منظم رفتاری باشد، حتی اگر خود مشارکت‌کنندگان آگاهی کامل از این الگوها نداشته باشند. مطالعات *Tavassoli, 2003 & Zahedi Mazandarani, 2004* نیز بر این نکته تأکید دارند که مشارکت واقعی مستلزم تقسیم قدرت و منابع، و ایجاد فرصت‌های برابر برای تمام اقشار جامعه است.

در عرصه مدیریت شهری، مشارکت شهروندان تبدیل به پارادایمی اساسی شده است. همان‌طور که اوکلی اشاره می‌کند، مشارکت می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند سهم داشتن در پروژه‌ها، سازمان‌دهی نهادهای مشارکتی، و توانمندسازی شهروندان ظهور یابد. پژوهش‌های *Azkia & Ghaffari, 2004* نشان می‌دهند که مشارکت مؤثر شهری منجر به تقویت احساس تعلق جمعی، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها می‌شود. به گفته وارنستاین، مشارکت در اصل نوعی بازتوزیق قدرت است که گروه‌های حاشیه‌نشین را به بازیگران فعال تبدیل می‌کند. این دیدگاه با نظریه‌های نوین مدیریت شهری که بر کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت نهادهای مدنی تأکید دارند، همسو

است. تجربه نشان داده است که شهرهایی که مکانیسم‌های مشارکتی قوی‌تری دارند، بهتر می‌توانند با چالش‌های شهری مقابله کنند و توسعه پایدارتری را محقق سازند.

ج) قانون‌گرایی

قانون‌گرایی مفهومی محوری در حیات اجتماعی بشر است که ریشه در سرشت مدنی‌الطبع انسان دارد. زندگی اجتماعی بدون وجود قوانین و مقرراتی که روابط افراد و نهادها را تنظیم کند، اساساً غیر ممکن است. این دیدگاه با نظریه دورکیم همسو است که قانون را به‌عنوان شاخص اصلی نظم اجتماعی معرفی می‌کند (*Seyyedman, 2009:75*). دورکیم با تمایز قائل شدن بین همبستگی مکانیکی در جوامع سنتی و همبستگی ارگانیکی در جوامع مدرن، نشان می‌دهد که در هر دو حالت، قانون نقش کلیدی در ایجاد نظم اجتماعی ایفا می‌کند. وی به‌ویژه بر پدیده آنومی (بی‌هنجاری) تأکید دارد که در دوره‌های گذار اجتماعی رخ می‌دهد، زمانی که نظام هنجاری قدیم کارایی خود را از دست داده اما نظام جدید هنوز تثبیت نشده است (*Chalapi, 1996:109*).

از دیدگاه مرتون (*Quoted from Javadi Yeganeh & et. al., 2011*)، قانون‌گرایی مستلزم هماهنگی بین اهداف فرهنگی جامعه و وسایل مشروع برای دستیابی به آنهاست. وقتی این هماهنگی وجود نداشته باشد، افراد به رفتارهای ناهنجار مانند قانون‌گریزی روی می‌آورند. *Weber, 1922* نیز با طرح مفهوم حاکمیت عقلانی ـ قانونی، بر اهمیت قواعد عقلانی و غیر شخصی در ایجاد قانون‌گرایی تأکید می‌کند (*Fuller, 1969:60*). با ارائه اصول هشت‌گانه‌ای مانند کلیت، شفافیت و عدم تناقض قوانین، چارچوبی برای قانون‌گرایی واقعی ترسیم می‌کند. مطالعات تجربی مانند *Putnam, 2000*، نشان می‌دهد که عواملی مانند عدالت توزیعی، شفافیت نهادی و سرمایه اجتماعی موجب تقویت قانون‌پذیری می‌شوند. در مقابل، *Wilkinson, 2009:119* اشاره می‌کند، فساد سیستماتیک، نابرابری اقتصادی و بی‌اعتمادی نهادی می‌توانند به کاهش قانون‌گرایی منجر شوند. این یافته‌ها با نظر *Ansari, 1999:80*، همخوانی دارد که بر ضرورت وضع قوانین عادلانه و هماهنگ با فطرت بشر تأکید می‌کند.

د) رضایت‌مندی

مطالعه رضایت‌مندی اجتماعی به مثابه حلقه اتصال میان ذهنیت شهروندان و عینیت برنامه‌ریزی شهری، از جایگاهی راهبردی در مدیریت کلان‌شهرها برخوردار است. این مفهوم

که توسط *Safdari, 1995* به‌عنوان تعادل پویا میان نیازهای فردی و امکانات اجتماعی تعریف شده است، در واقع آینه‌ای است که کاستی‌ها و نقاط قوت سیاست‌های شهری را با دقتی بی‌نظیر بازتاب می‌دهد. دیدگاه دینر که رضایت‌مندی را محصول مقایسه ذهنی میان وضع موجود و آرمان‌های فردی می‌داند (*Hezarjaribi & Safari Shali, 2013*)، به خوبی نشان می‌دهد که چرا در کلان‌شهری مانند اهواز، شکاف میان انتظارات شهروندان و عملکرد نهادهای شهری می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی بینجامد.

نظریه سلسله مراتب نیازهای *Maslow, 1943* که توسط *Safdari, 1995* در بستر اجتماعی ایران بومی‌سازی شده، به ما می‌آموزد که دستیابی به رضایت‌مندی پایدار مستلزم توجه توأمان به نیازهای مادی (مسکن، اشتغال، خدمات پایه) و نیازهای معنوی (احساس تعلق، مشارکت، عدالت اجتماعی) است. این نگاه جامع‌نگر به ویژه در شهری مانند اهواز که با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه عدالت فضایی و توزیع امکانات روبروست، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

در عرصه عمل، مطالعات رضایت‌مندی اجتماعی همچون نقشه راهی برای سیاست‌گذاران عمل می‌کنند که بر اساس یافته‌های *Hezarjaribi & Safari Shali, 2013* قادرند شکاف میان برنامه‌ریزی از بالا و انتظارات از پایین را پر کنند. این مطالعات نه تنها گروه‌های محروم و ناراضی را شناسایی می‌کنند، بلکه با ارائه داده‌های عینی، امکان طراحی مداخلات هدفمند و هوشمندانه را فراهم می‌سازند. در واقع، رضایت‌مندی اجتماعی به مثابه زبانی مشترک میان شهروندان و مدیران شهری عمل می‌کند که می‌تواند چرخه معیوب بی‌اعتمادی و نارضایتی را به چرخه‌ای فضیلت‌مند از مشارکت و توسعه پایدار تبدیل کند.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش با الهام از نظریه‌های جامعه‌شناختی کلاسیک و معاصر، به بررسی روابط پویا بین چهار مؤلفه کلیدی توسعه شهری یعنی قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، مشارکت عمومی و رضایت‌مندی می‌پردازد. که این چهار مفهوم به نوعی می‌توان گفت برایند خیلی از متغیرهای دیگر هستند. در کانون این چارچوب، نظریه سرمایه اجتماعی *Putnam, 1995* قرار دارد که اعتماد را سنگ بنای توسعه اجتماعی می‌داند. از دیدگاه زیمل (*Quoted by Amir Kafi, 1996*)، اعتماد اجتماعی به‌عنوان "سیمان روابط شهری" عمل می‌کند، در حالی که (*Fukuyama, 1999*) آن را عاملی کلیدی در کاهش هزینه‌های مبادلات اجتماعی معرفی می‌نماید. مشارکت عمومی به‌عنوان موتور محرکه توسعه، در این چارچوب از دو منظر

مورد توجه قرار گرفته است: از یک‌سو *Bureau, 1991* آن را فرآیند تقسیم واقعی قدرت می‌داند و از سوی دیگر *Putnam, 2000* بر نقش آن در تقویت سرمایه اجتماعی تأکید دارد. قانون‌گرایی نیز به‌عنوان چارچوب نظم بخش، با استناد به دیدگاه‌های *Durkheim, 1893* درباره نظم اجتماعی و *Weber, 1922* در مورد حاکمیت عقلانی ـ قانونی تحلیل شده است.

رضایت‌مندی اجتماعی به‌عنوان شاخص نهایی در این مدل، هم نتیجه و هم علت توسعه پایدار شهری محسوب می‌شود*Safdari, 1995* آن را معیاری برای سنجش عدالت فضایی می‌داند، در حالی که *Hezarjaribi & Safari Shali, 2013* بر شکاف بین وضع موجود و آرمان‌های شهروندان تأکید می‌کند. این چهار مؤلفه در چرخه‌ای پویا با یکدیگر تعامل دارند که می‌تواند هم به شکل چرخه‌های معیوب (تشدیدکننده مشکلات) و هم چرخه‌های فضیلت‌مند (تقویت‌کننده توسعه) ظاهر شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در قالب پارادایم اثباتی و استراتژی قیاسی و به‌لحاظ اجرا به روش کمی (پیمایش) است که از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق را شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در هشت منطقه این شهر تشکیل می‌دهند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای بالغ بر ۳۲۰۰ نفر در ارتباط با پرسشنامه فرهنگی و اجتماعی به شرح ذیل انتخاب شد.

لازم به توضیح است که چون کلان‌شهر اهواز دارای ۸ منطقه شهرداری است و با توجه به اینکه در این پژوهش هر منطقه به‌عنوان یک واحد تحلیل مستقل در نظر گرفته خواهد شد و می‌بایست نتایج در سطح منطقه‌ای قابلیت تعمیم داشته باشد، لذا حجم نمونه در نظر گرفته شده متناسب با تعمیم‌یابی منطقه‌ای تعیین شده است که در بالاترین سطح با توجه به فرمول‌های مرسوم (از جمله فرمول عمومی کوکران) برای هر منطقه است. در توضیح این حجم نمونه باید افزود با توجه به آنکه هر یک از محلات دارای مختصات و ویژگی‌های کالبدی، ساختاری، اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و ... متفاوت هستند و در امکان تعمیم‌بخشی نتایج در حوزه بین محله‌ای وجود ندارد، به همین دلیل هر واحد محله‌ای به‌عنوان یک قطاع شهری مستقل تعریف گردیده و جامعه‌ای مستقل است. به همین دلیل می‌بایست جمعیت نمونه به‌گونه‌ای تعریف و تعیین شود که نتایج علاوه بر سطح منطقه‌ای در سطح محله‌ای نیز امکان تعمیم‌بخشی داشته باشد.

با توجه به توضیحات ارائه شده، حجم نمونه برای هر منطقه حدود ۴۰۰ نفر تعیین شد و برای انتخاب محلات در داخل هر منطقه، با استفاده از اصل نسبت، جمعیت نمونه محاسبه گردید. در مجموع، با توجه به برآوردهای کارشناسی، حدود ۳۴۰۰ پرسشنامه در سطح مناطق هشت‌گانه شهر اهواز تکمیل شد که بالاترین حجم نمونه محسوب می‌شود. در خصوص شیوه نمونه‌گیری، شایان ذکر است که واحد مراجعه به درب منازل بود؛ از این‌رو، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به‌طوری‌که در ابتدا محلات انتخاب شدند و سپس در داخل محلات، بلوک‌ها، و در داخل بلوک‌ها، خانوارها مشخص گردید. از هر خانوار، یک نفر به‌صورت تصادفی انتخاب و پرسشنامه پژوهش از آن‌ها تکمیل شد.

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بوده که در دو بخش روحیه مشارکت (با پنج گویه) و مشارکت عملی (با نه گویه) و قانون‌گرایی شامل گویه‌هایی (نگرش به اجرای قانون، تمایل به رعایت قوانین و ارزیابی از عملکرد ادارات) و اعتماد اجتماعی را در دو بعد اعتماد بین فردی (شامل مؤلفه‌هایی مانند صداقت، امانتداری و پایبندی به قول و قرار) و اعتماد به مسئولین (شامل ارزیابی عملکرد و برنامه‌های مسئولان شهری و کشوری) مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد، و رضایت‌مندی نیز (مؤلفه‌هایی مانند پیشرفت و موفقیت خودتان در زندگی، رضایت از وضعیت سلامتی خود، از وضعیت زندگی، از وضعیت مسکن خود و خانواده‌تان، از میزان همدلی در درون خانواده، از سکونت در این محله، از زندگی در این شهر و از برخورد همسایگان) سنجیده شده است.

در پژوهش حاضر در ابتدا پرسش‌نامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و استفاده از نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان خبره، اعتبار صوری[1] ابزار تحقیق به‌دست آمد. در ضمن در سه مرحله رفت و برگشت به میدان تحقیق به‌عنوان پیش‌آزمون (پری تست) با هدف شناخت از رسایی گویه‌ها و فهم مشترک پاسخگویان از سؤالات پرسشنامه و محاسبه همبستگی درونی بین سنجه‌ها در جهت سنجش متغیرها استفاده شد. بدین ترتیب گویه‌هایی که همبستگی کمتری داشتند، حذف و اصلاح شدند و یا گویه‌های متناسب دیگری جایگزین آنها شدند، در نهایت در مراجعهٔ سوم با تکمیل ۴۰ پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ برای به‌دست آوردن میزان پایایی متغیرهای تحقیق استفاده شد. در نتیجه، در مجموع ضریب پایایی متغیرهای نهایی تحقیق به‌دست آمد که میزان آلفای همگی آنها بالای ۰.۷ بود که بخاطر جلوگیری از اطناب کلام به جدول مربوطه هر یک از متغیرها در اینجا آورده نمی‌شود.

[1] face validity

برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی با بهره‌گیری از نرم‌افزار *SPSS* استفاده شده است. در فرآیند اجرای پژوهش، ملاحظات اخلاقی مانند اخذ رضایت آگاهانه، حفظ محرمانگی اطلاعات و اختیاری بودن مشارکت پاسخگویان رعایت شده است. این مطالعه با وجود محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی، تصویر جامعی از وضعیت مشارکت اجتماعی در سطح محلات مختلف شهر اهواز ارائه می‌دهد و می‌تواند مبنای مناسبی برای برنامه‌ریزی‌های آتی در حوزه توسعه اجتماعی باشد. روش‌شناسی به کار گرفته شده در این تحقیق، با ترکیب مناسب تکنیک‌های نمونه‌گیری و ابزارهای سنجش، امکان تعمیم‌پذیری نتایج به سطح مناطق مختلف شهر را فراهم ساخته است.

یافته‌های پژوهش

توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب مشخصات فردی

توزیع بر حسب جنس: بر نیمی از پاسخگویان مورد مطالعه (۵۰ درصد) مرد و نیمی دیگر زن (۵۰ درصد) بوده‌اند. انتخاب نمونه به شکل بود که از والدین خانواده‌ها سؤال شد و یا از فرزندانی که اطلاعات کامل و جمع در خصوص شرایط اجتماعی و فرهنگی داشتند. توزیع بر حسب جنس: ۲۳ درصد از پاسخگویان زیر ۳۰ سال، ۳۱درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۱ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال و مابقی ۲۵درصد بالای پنجاه سال بودند. توزیع بر حسب وضعیت تأهل: نتایج اکثریت پاسخگویان مورد مطالعه (۷۶ درصد) متأهل و مابقی ۲۱ درصد مجرد و ۲ درصد همسر فوت کرده و ۱ درصد نیز مطلقه بوده‌اند. توزیع نتایج بر حسب قومیت: ۳۲ درصد از قومیت لر، ۴۴ درصد عرب، ۲۱ درصد فارس و مابقی (۳ درصد) سایر اقوام هستند.

توزیع بر حسب تحصیلات: نتایج حاصل از سنجش تحصیلات حاکی از این است که ۹ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۶ درصد تحصیلات ابتدایی، ۱۸ درصد راهنمایی، ۳۱ درصد متوسطه و دیپلم و ۲۶ دارای تحصیلات دانشگاهی از فوق دیپلم و دکتری بوده‌اند.

مقایسه میزان مشارکت (کنش مشارکتی) به تفکیک مناطق شهر اهواز:

همان‌طور که در بخش روش ذکر شد برای سنجش مشارکت (کنش مشارکتی) از گویه‌های متفاوت استفاده شد، لذا به منظور مقایسه میزان مشارکت از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار جدول ۱ است.

جدول ۱: مقایسه میزان مشارکت شهروندان مناطق مختلف

Table 1: *Comparison of Citizen Participation Levels Across Different Districts*

متغیر	آماره‌های تحلیلی		مناطق	آزمون توکی *Tukey Test*					
Variable	*F*	*Sig*	*Districts*	۱	۲	۳	۴	۵	۶
مشارکت	/۳۷۰ ۳۴	۰/۰۰۱	۸	۱۶/۸۶					
			۵	۱۸/۰۸	۱۸/۰۸				
			۴		۱۹/۵۴	۱۹/۵۴			
			۷			۲۰	۲۰		
			۲				۲۱/۶۸	۲۱/۶۸	
			۱				۲۱/۷۶	۲۱/۷۶	
			۳					۲۲/۹۹	۲۲/۹۹
			۶						۲۳/۹۶
			سطح معنی‌داری	۰/۴۳۳	۰/۲۰۰	۰/۹۹۵	۰/۰۵۳	۰/۳۳۷	۰/۷۱۳

«دامنه تغییرات میانگین بین ۰ تا ۴۵ است و نمره بیشتر به منزله مشارکت بیشتر می‌باشد.»

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه حاکی از این است که بین میزان مشارکت شهروندان مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۱)؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی حاکی از این است که به ترتیب پاسخگویان مناطق زیر بیشترین میزان مشارکت را داشته‌اند؛ منطقه ۶ (با میانگین ۲۳/۹۶)؛ منطقه ۳ (با میانگین ۲۲/۹۹)؛ منطقه ۱ (با میانگین ۲۱/۷۶)؛ منطقه ۲ (با میانگین ۲۱/۶۸)؛ منطقه ۷ (با میانگین ۲۰/۰۰)؛ منطقه ۴ (با میانگین ۱۹/۵۴)؛ منطقه ۵ (با میانگین ۱۸/۰۸)؛ منطقه ۸ (با میانگین ۱۶/۸۶).

مقایسه میزان روحیه مشارکت اجتماعی به تفکیک مناطق

به منظور مقایسه میزان روحیه مشارکت از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار جدول ۲ است.

جدول ۲: مقایسه میزان روحیه مشارکت شهروندان مناطق مختلف

***Table 2**: Comparison of the Level of Participatory Morale among Citizens in Different Districts*

متغیر	آماره‌های تحلیلی		مناطق	آزمون توکی		
Variable	*AnalyticalStatistics*		*Districts*	*Tukey Test*		
	F	Sig		۱	۲	۳
روحیه مشارکت	۱۸/۳۹۴	/۰۰۱	۷	۱۵/۶۴		
			۸	۱۵/۷۹		
			۲	۱۵/۸۲		
			۴		۱۶/۷۲	
			۱		۱۶/۷۳	
			۵		۱۶/۷۴	
			۶		۱۷/۵۶	۱۷/۵۶
			۳			۸
			سطح معنی‌داری	۰/۹۹۸	۰/۰۵۷	۰/۷۷۶

«دامنه تغییرات میانگین بین ۰ تا ۲۵ است و نمره بیشتر به منزله روحیه مشارکت بیشتر می‌باشد.»

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه حاکی از این است که بین روحیه مشارکت شهروندان مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۱)؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی حاکی از این است که به ترتیب پاسخگویان مناطق زیر بیشترین میزان روحیه مشارکت را داشته‌اند؛ منطقه ۳ (با میانگین ۱۸/۰۰)؛ منطقه ۶ (با میانگین ۱۷/۵۶)؛ منطقه ۵ (با میانگین ۱۶/۷۴)؛ منطقه ۱ (با میانگین ۱۶/۷۳)؛منطقه ۴ (با میانگین ۱۶/۷۲)؛ منطقه ۲ (با میانگین ۱۵/۸۲)؛ منطقه ۸ (با میانگین ۱۵/۷۹)؛ منطقه ۷ (با میانگین ۱۵/۶۴).

مقایسه روحیه مشارکتی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

در این قسمت به کمک آزمون‌های آماری تی‌مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه، به مقایسه روحیه مشارکتی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی پرداخته شده است که نتایج حاصل از آن به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳: مقایسه روحیه مشارکتی به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی

Table 3: *Comparison of Participatory Spirit by Demographic Variables*

متغیر	موارد	میانگین	آزمون آماری (*T/F*)	سطح معناداری
Variable	*Cases*	*Mean*	*Statistical Test*	*Sig*
جنس	مرد	۱۶/۸۵	۳/۰۱۶	۰/۰۰۳
	زن	۱۶/۴۲		
سن	کمتر از ۳۰ سال	۱۶/۰۵	۱۲/۷۵۸	۰/۰۰۱
	۳۰-۴۰ سال	۱۶/۵۰		
	۴۱-۵۰ سال	۱۶/۶۸		
	بالای ۵۰ سال	۱۷/۳۰		
وضعیت تأهل	مجرد	۱۶/۲۴	۴/۹۶۸	۰/۰۰۲
	متأهل	۱۶/۷۶		
	مطلقه	۱۴/۳۲		
	همسر فوت کرده	۱۶/۵۳		
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۱۶/۵۹	۱/۷۰۷	۰/۱۶۳
	دیپلم و فوق دیپلم	۱۶/۷۱		
	لیسانس	۱۶/۳۸		
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۷/۲۰		
قومیت	لر	۱۶/۷۷	۰/۷۵۲	۰/۵۵۷
	عرب	۱۶/۶۰		
	کرد	۱۶/۱۰		
	فارس	۱۶/۶۰		
	آذری و ترک	۱۶/۱۴		

نتایج جدول فوق حاکی از این است که از نظر جنس «مردان»، از نظر سن «گروه سنی بالای ۵۰ سال»، از نظر وضع تأهل «متأهل‌ها»، از نظر تحصیلات «شهروندان با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر» و از نظر قومیت «لرها» بیشترین میزان روحیه مشارکتی را داشته‌اند.

مقایسه قانون‌گرایی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

در این قسمت به کمک آزمون‌های آماری تی‌مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه، به مقایسه قانون‌گرایی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی پرداخته شده است که نتایج حاصل از آن به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴: مقایسه قانون‌گرایی به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی

Table 4: *Comparison of Law-Abidingness by Demographic Variables*

متغیر	موارد	میانگین	آزمون آماری (*T/F*)	سطح معناداری
Variable	*Cases*	*Mean*	*Statistical Test*	*Sig*
جنس	مرد	۲۶/۱۹	۱/۷۴۲	۰/۰۸۲
	زن	۲۶/۴۱		
سن	کمتر از ۳۰ سال	۲۵/۹۴	۷/۰۶۲	۰/۰۰۱
	۳۰-۴۰ سال	۲۶/۱۸		
	۴۱-۵۰ سال	۲۶/۳۵		
	بالای ۵۰ سال	۲۶/۷۴		
وضعیت تأهل	مجرد	۲۶/۰۷	۳/۴۲۸	۰/۰۱۶
	متأهل	۲۶/۳۸		
	مطلقه	۲۴/۳۲		
	همسر فوت کرده	۲۶/۱۱		
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۲۶/۱۹	۲/۴۱۱	۰/۰۶۵
	دیپلم و فوق دیپلم	۲۶/۲۶		
	لیسانس	۲۶/۶۶		
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۶/۶۰		
قومیت	لر	۲۶/۳۹	۵/۲۲۷	۰/۰۰۱
	عرب	۲۶/۰۶		
	کرد	۲۶/۹۰		
	فارس	۲۶/۷۹		
	آذری و ترک	۲۶/۴۱		

بر طبق اطلاعات جدول فوق میزان قانون‌گرایی بر حسب جنس و تحصیلات تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهند، هر چند که میزان قانون‌گرایی زنان با تحصیلات لیسانس، بالاتر از سایرین بوده است، اما این تفاوت به لحاظ آماری معنادار نشده است. مقایسه میزان قانون‌گرایی بر حسب سن حکایت از وجود یک رابطه مستقیم دارد، به نحوی که با بالا رفتن سن، میزان قانون‌گرایی افزایش یافته است. متأهلین بیش از مجردها، پایبند به قانون بوده و اقوام فارس نمونه مورد مطالعه بیش از سایر اقوام قانون‌گرا بوده‌اند.

مقایسه میزان قانون‌گرایی به تفکیک مناطق

به منظور مقایسه میزان قانون‌گرایی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار جدول زیر است.

جدول ۵: مقایسه میزان قانون‌گرایی شهروندان مناطق مختلف

Table 5: *Comparison of the Level of Law-Abidingness among Citizens in Different Districts*

متغیر	آماره‌های تحلیلی		مناطق	آزمون توکی	
Variable			*Districts*	*Tukey Test*	
	F	*Sig*		۱	۲
میزان قانون‌گرایی	۶/۹۶۳	۰/۰۰۱	۴	۲۵/۸۹	
			۶	۲۵/۹۰	
			۷	۲۶/۰۶	
			۲	۲۶/۱۳	
			۵	۲۶/۲۳	
			۸	۲۶/۲۵	
			۱	۲۶/۶۲	۲۶/۶۲
			۳		۲۹/۲۹
			سطح معنی‌داری	۰/۰۶۷	۰/۱۲۳

«دامنه تغییرات میانگین بین ۸ تا ۴۰ است و نمره بیشتر به منزله میزان قانون‌گرایی بیشتر می‌باشد.»

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه حاکی از این است که بین میزان قانون‌گرایی شهروندان مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۱)؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی حاکی از این است که به ترتیب پاسخگویان مناطق زیر بیشترین میزان قانون‌گرایی را داشته‌اند؛ منطقه ۳ (با میانگین ۲۹/۲۹)؛ منطقه ۱ (با میانگین ۲۶/۶۲)؛ منطقه ۸ (با میانگین ۲۶/۲۵)؛ منطقه ۵ (با میانگین ۲۶/۲۳)؛ منطقه ۲ (با میانگین ۲۶/۱۳)؛ منطقه ۷ (با میانگین ۲۶/۰۶)؛ منطقه ۶ (با میانگین ۲۵/۹۰)؛ منطقه ۴ (با میانگین ۲۵/۸۹).

مقایسه میزان اعتماد اجتماعی به تفکیک مناطق

به منظور مقایسه میزان اعتماد اجتماعی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار جدول ۶ است.

جدول ۶: مقایسه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان مناطق مختلف

Table 6: *Comparison of the Level of Social Trust among Citizens in Different Districts*

متغیر	آماره‌های تحلیلی		مناطق	آزمون توکی *Tukey Test*			
Variable	*F*	*Sig*	*Districts*	۱	۲	۳	۴
اعتماد اجتماعی	۱۵/۰۱۵	۰/۰۰۱	۵	۲۰/۹۸			
			۶	۲۱/۵۰	۲۱/۵۰		
			۲	۲۱/۵۱	۲۱/۵۱		
			۸	۲۲/۰۶	۲۲/۰۶	۲۲/۰۶	
			۱		۲۲/۶۶	۲۲/۶۶	
			۴		۲۲/۷۲	۲۲/۷۲	
			۷			۲۲/۹۹	
			۳				۲۴/۵۶
			سطح معنی‌داری	۰/۱۴۲	۰/۰۶۴	۰/۳۲۷	۱/۰۰

«دامنه تغییرات میانگین بین ۰ تا ۴۰ است و نمره بیشتر به منزله اعتماد اجتماعی بیشتر می‌باشد.»

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه حاکی از این است که بین میزان اعتماد اجتماعی شهروندان مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۱)؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی حاکی از این است که به ترتیب پاسخگویان مناطق زیر بیشترین میزان اعتماد اجتماعی را داشته‌اند؛ منطقه ۳ (با میانگین ۲۴/۵۶)؛ منطقه ۷ (با میانگین ۲۲/۹۹)؛ منطقه ۴ (با میانگین ۲۲/۷۲)؛ منطقه ۱ (با میانگین ۲۲/۶۶)؛ منطقه ۸ (با میانگین ۲۲/۰۶)؛ منطقه ۲ (با میانگین ۲۱/۵۱)؛ منطقه ۶ (با میانگین ۲۱/۵۰)؛ منطقه ۵ (با میانگین ۲۰/۹۸).

مقایسه میزان اعتماد به مسئولین به تفکیک مناطق

به منظور مقایسه میزان اعتماد به مسئولین از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار جدول ۷ است.

جدول ۷: مقایسه میزان اعتماد شهروندان مناطق مختلف به مسئولین

Table 7: *Comparison of Citizens' Trust in Officials across Different Districts*

متغیر	آماره‌های تحلیلی		مناطق	آزمون توکی			
				Tukey Test			
Variabl	*F*	*Sig*	*Districts*	۱	۲	۳	۴
اعتماد به مسئولین	۲۰/۰۷۰	۰/۰۰۱	۷				
			۴	۲۵/۱	۲۵/۱۳		
			۸	۲۵/۴۲	۲۵/۴۲	۲۵/۴۲	
			۲		۲۶	۲۶	
			۵		۲۶/۸۷	۲۶/۸۷	
			۱			۲۷/۱۵	
			۶				۲۹/۳۵
			۳				۲۹/۴۸
			سطح معنی‌داری	۰/۱۲۵	۰/۱۱۴	۰/۱۲۱	۱/۰۰

«دامنه تغییرات میانگین بین ۰ تا ۵۵ است و نمره بیشتر به منزله اعتماد به مسئولین بیشتر می‌باشد.»

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه حاکی از این است که بین میزان اعتماد شهروندان مناطق مختلف به مسئولین تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۱)؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی حاکی از این است که به ترتیب پاسخگویان مناطق زیر بیشترین میزان اعتماد به مسئولین را داشته‌اند؛ منطقه ۳ (با میانگین ۲۹/۴۸)؛ منطقه ۶ (با میانگین ۲۹/۳۵)؛ منطقه ۱ (با میانگین ۲۷/۱۵)؛ منطقه ۵ (با میانگین ۲۶/۸۷)؛ منطقه ۲ (با میانگین ۲۶/۰۰)؛ منطقه ۸ (با میانگین ۲۵/۴۲)؛ منطقه ۴ (با میانگین ۲۵/۱۳)؛ منطقه ۷ (با میانگین ۲۳/۷۰).

مقایسه میزان اعتماد اجتماعی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

در این قسمت به کمک آزمون‌های آماری تی‌مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه، به مقایسه میزان اعتماد اجتماعی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی پرداخته شده است که نتایج حاصل از آن به شرح جدول زیر است.

جدول ۸: مقایسه اعتماد اجتماعی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

Table 8: *Comparison of Social Trust by Demographic Variables*

متغیر	موارد	میانگین	آزمون آماری (*T/F*)	سطح معناداری
Variable	*Cases*	*Mean*	*Statistical Test*	*Sig*
جنس	مرد	۲۲/۳۶	-۰/۱۷۳	۰/۸۶۲
	زن	۲۲/۴۰		
سن	کمتر از ۳۰ سال	۲۲/۲۰	۱/۸۲۵	۰/۱۴۰
	۳۰-۴۰ سال	۲۲/۲۱		
	۴۱-۵۰ سال	۲۲/۳۴		
	بالای ۵۰ سال	۲۲/۷۹		
وضعیت تأهل	مجرد	۲۲/۰۱	۲/۰۵۶	۰/۱۰۴
	متأهل	۲۲/۴۸		
	مطلقه	۲۰/۴۲		
	همسر فوت کرده	۲۳/۰۳		
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۲۲/۰۱	۲/۰۵۶	۰/۱۰۴
	دیپلم و فوق دیپلم	۲۲/۴۸		
	لیسانس	۲۰/۴۲		
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۳/۰۳		
قومیت	لر	۲۲/۴۸	۰/۳۲۳	۰/۸۰۹
	عرب	۲۲/۳۶		
	کرد	۲۲/۱۸		
	فارس	۲۲/۲۸		
	آذری و ترک	۲۲/۴۸		

نتایج نشان داد که بین اعتماد اجتماعی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد، با بالا رفتن سن و تحصیلات، میزان اعتماد اجتماعی بیشتر شده است. متأهلین بیشتر از مجردها، اعتماد اجتماعی داشته‌اند، اقوام کرد کمتر از سایرین اعتماد اجتماعی داشته‌اند.

سنجش میزان رضایت‌مندی

میزان رضایت‌مندی از طریق ۸ گویه (میزان رضایت از پیشرفت و موفقیت خود در زندگی، از وضعیت سلامتی، از وضعیت زندگی، از وضعیت مسکن خود و خانواده، از میزان همدلی در درون خانواده، از سکونت در این محله، از زندگی در این شهر و از برخورد همسایگان) سنجیده شده است و به منظور ساخت مفهوم مذکور ابتدا امتیاز کل ۸ پرسش مربوط به این مفهوم با لحاظ کردن جهت‌های مثبت و منفی سنجه‌ها با یکدیگر جمع گردید. نتایج جدول زیر حاکی از این است که ۱۷ درصد از شهروندان در حد کم، ۲۹ درصد در حد متوسط و ۵۴ درصد در حد زیادی از شرایط خود رضایت داشته‌اند. با توجه به میانگین بدست آمده، می‌توان گفت در مجموع میزان رضایت‌مندی افراد نمونه تحقیق در حد متوسط رو به بالایی می‌باشد.

جدول ۹: توزیع نسبی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت‌مندی

Table 9: *Relative Distribution of Respondents by Level of Satisfaction*

شرح	فراوانی		درصد
Description	*Frequency*		*Percentage*
کم	۵۲۹		۱۶/۶
متوسط	۹۲۴		۲۹
زیاد	۱۷۳۲		۵۴/۴
جمع	۳۱۸۵		۱۰۰
شاخص آماری	بازه (۴۰-۸)	بازه (۲۰-۱)	بازه (۱۰۰-۱)
میانگین	۲۷/۹۴	۱۳/۹۷	۶۹/۸۵

مقایسه میزان رضایت‌مندی به تفکیک مناطق

به منظور مقایسه میزان رضایت‌مندی از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده است که نتایج آن به قرار جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰: مقایسه میزان رضایت‌مندی شهروندان مناطق مختلف

Table 10: *Comparison of the Level of Satisfaction among Citizens in Different Districts*

متغیر	آماره‌های تحلیلی		مناطق	آزمون توکی			
Variable	*Analytical Statistics*		*Districts*	*Tukey Test*			
	F	*Sig*		۱	۲	۳	۴
میزان رضایت‌مندی	۳۳/۰۵۷	۰/۰۰۱	۷	۲۵/۶۵			
			۵	۲۶/۵۷	۲۶/۵۷		
			۶		۲۷/۳۰	۲۷/۳۰	
			۱			۲۷/۹۷	۲۷/۹۷
			۲			۲۸/۱۴	۲۸/۱۴
			۸				۲۸/۵۲
			۴				۲۸/۶۸
			۳				
			سطح معنی‌داری	۰/۲۰۷	۰/۵۰۸	۰/۳۲۱	۰/۵۵۰

«دامنه تغییرات میانگین بین ۸ تا ۴۰ است و نمره بیشتر به منزله میزان رضایت‌مندی بیشتر می‌باشد.»

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه حاکی از این است که بین میزان رضایت‌مندی در بین شهروندان مناطق مختلف تفاوت معناداری وجود دارد (P=۰/۰۰۱)؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون توکی حاکی از این است که به ترتیب پاسخگویان مناطق زیر بیشترین میزان رضایت‌مندی را داشته‌اند؛ منطقه ۳ (با میانگین ۳۰/۶۸)؛ منطقه ۴ (با میانگین ۲۸/۶۸)؛ منطقه ۸ (با میانگین ۲۸/۵۲)؛ منطقه ۲ (با میانگین ۲۸/۱۴)؛ منطقه ۱ (با میانگین ۲۷/۹۷)؛ منطقه ۶ (با میانگین ۲۷/۳۰)؛ منطقه ۵ (با میانگین ۲۶/۵۷)؛ منطقه ۷ (با میانگین ۲۵/۶۵).

مقایسه رضایت‌مندی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

در این قسمت به کمک آزمون‌های آماری تی مستقل و تحلیل واریانس یک‌راهه، به مقایسه رضایت‌مندی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی پرداخته شده است که نتایج حاصل از آن به شرح جدول ۱۱ است.

جدول ۱۱: مقایسه رضایت‌مندی به تفکیک متغیرهای جمعیت‌شناختی

Table 11: *Comparison of Satisfaction by Demographic Variables*

متغیر	موارد	میانگین	آزمون‌آماری (*T/F*)	سطح معناداری
Variable	*Cases*	*Mean*	*Statistical Test*	*Sig*
جنس	مرد	۲۷/۹۱	-۰/۲۷	۰/۷۷۴
	زن	۲۷/۹۷		
سن	کمتر از ۳۰ سال	۲۷/۳۶	۷/۱۵۳	۰/۰۰۱
	۳۰-۴۰ سال	۲۷/۷۴		
	۴۱-۵۰ سال	۲۸/۱۲		
	بالای ۵۰ سال	۲۸/۵۷		
وضعیت تأهل	مجرد	۲۷/۹۸	۵/۳۲۶	۰/۰۰۱
	متأهل	۲۸/۰۰		
	مطلقه	۲۳/۶۳		
	همسر فوت کرده	۲۶/۶۷		
تحصیلات	کمتر از دیپلم	۲۷/۴۴	۷/۶۷۶	۰/۰۰۱
	دیپلم و فوق دیپلم	۲۸/۲۷		
	لیسانس	۲۸/۲۳		
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۹/۰۳		
قومیت	لر	۲۸/۴۷	۹/۶۱۷	۰/۰۰۱
	عرب	۲۷/۴۰		
	کرد	۲۷/۰۸		
	فارس	۲۸/۷۴		
	آذری و ترک	۲۸/۱۵		

نتایج جدول فوق حاکی از این است که از نظر جنس «زنان»، از نظر سن «گروه سنی بالای ۵۰ سال»، از نظر وضع تأهل «متأهلین»، از نظر تحصیلات «شهروندان با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر» و از نظر قومیت «فارس‌ها» بیشترین میزان رضایت‌مندی را داشته‌اند.

جدول ۱۲: میانگین متغیرهای پژوهش برای ۸ منطقه مورد مطالعه

Table 12: *Mean of Research Variables for the 8 Studied Districts*

متغیر	میانگین	فراوانی	درصد
Variable	*Mean*	*Frequency*	*Percentage*
مشارکت اجتماعی	۱۶/۳	۱۳/۳۰	۶۶/۵۳
قانون‌مندی	۲۶/۲۹	۱۳/۱۴	۶۵/۷۴
اعتماد	۲۶/۶۴	۹/۳۸	۴۷/۴۴
رضایت‌مندی	۳۲/۶۳	۱۳/۷	۶۵/۳۹

جدول ۱۲ میانگین متغیرهای پژوهش برای ۸ منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد. در این جدول، مشارکت اجتماعی با میانگین ۱۶.۳ و درصد ۶۶.۵۳، قانون‌مندی با میانگین ۲۶.۲۹ و درصد ۶۵.۷۴، اعتماد با میانگین ۲۶.۶۴ و درصد ۴۷.۴۴، و رضایت‌مندی با میانگین ۳۲.۶۹ و درصد ۶۵.۳۹ ارائه شده است. این داده‌ها نشان‌دهنده سطح بالای مشارکت اجتماعی و قانون‌مندی در میان افراد است، در حالی که اعتماد اجتماعی به‌طور نسبی پایین‌تر است و حدود نیمی از افراد به یکدیگر اعتماد دارند. همچنین، رضایت‌مندی عمومی نیز در سطح قابل قبولی قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هر چند در بررسی وضعیت اجتماعی، متغیرهای متعددی مانند داده‌های ثبتی (از جمله نرخ انواع آسیب‌های اجتماعی، وضعیت اشتغال و ...) مورد مطالعه قرار می‌گیرند، در این پژوهش به بررسی چهار مؤلفه کلیدی قانون‌گرایی، اعتماد اجتماعی، مشارکت عمومی و رضایت‌مندی پرداخته شد این مؤلفه‌ها به‌عنوان نشانگرهای نگرش‌ها (شرایط ذهنی)، هنجاری و رفتاری جامعه، وضعیت اجتماعی شهر اهواز را تحلیل می‌کنند. نتایج این پژوهش تصویر در هم تنیده از وضعیت و شرایط اجتماعی این کلان‌شهر ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این متغیرها در چرخه‌ای پویا با یکدیگر تعامل دارند، به‌طوری که تقویت یا تضعیف هر یک بر دیگری تأثیر مستقیم می‌گذارد. این نتایج با نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی مانند دیدگاه دورکیم درباره انسجام اجتماعی، نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام و چارچوب فوکویاما درباره اعتماد، همسویی قابل‌توجهی دارد.

مطابق یافته‌ها، مناطق برخوردار مانند منطقه ۳ که بالاترین میانگین را در اعتماد اجتماعی (۲۴.۵۶)، قانون‌گرایی (۲۹.۲۹) و رضایت‌مندی (۳۰.۶۸) داشتند، از سطح مشارکت

عمومی بالاتری نیز برخوردار بودند. این نتیجه با پژوهش‌های داخلی مانند مطالعه *Hezarjaribi & Safari Shali (2009)* و تحقیقات بین‌المللی مانند کار *Putnam (1995)* همخوانی دارد که بر رابطه مستقیم بین اعتماد و مشارکت تأکید کرده‌اند. همچنین، همسو با نظریه *Inglehart's (1994)*، سطح تحصیلات بالاتر با افزایش اعتماد اجتماعی و قانون‌پذیری همراه بود، که نشان‌دهنده نقش آموزش در تقویت سرمایه اجتماعی است. با این حال، وضعیت در مناطق حاشیه‌نشین مانند منطقه ۷ و ۸ که پایین‌ترین میانگین‌ها را در مشارکت (۱۶.۸۶) و رضایتمندی (۲۵.۶۵) داشتند، حاکی از وجود نابرابری‌های ساختاری است. این یافته با پژوهش *Alipour & et. al. (2009)* درباره تأثیر فقر بر انزوای اجتماعی همسو است و نشان می‌دهد که محرومیت اقتصادی می‌تواند چرخه معیوب بی‌اعتمادی و کاهش مشارکت را تشدید کند. از دیدگاه نظری، این مسئله با مفهوم "آنومی" دورکیم و "محرومیت نسبی" مرتن قابل‌تفسیر است.

در بعد قومیتی، نتایج نشان داد که اقوام فارس و لر در مقایسه با دیگر گروه‌ها، نمرات بالاتری در قانون‌گرایی و اعتماد به مسئولین کسب کردند. این یافته می‌تواند ناشی از تجربه تاریخی متفاوت این گروه‌ها با نهادهای حکومتی باشد، موضوعی که در پژوهش *Zolfaghari (2021)*، نیز به آن اشاره شده است. از سوی دیگر، کاهش اعتماد به مسئولین در برخی مناطق (مانند منطقه ۷ با میانگین ۲۳.۷۰) با نظریه لومان درباره نقش اعتماد در کاهش عدم قطعیت اجتماعی مرتبط است و نشان‌دهنده ضرورت شفافیت بیشتر نهادهای حکومتی است.

نکته قابل‌توجه در یافته‌ها، رابطه مستقیم سن با قانون‌گرایی و مشارکت است، به‌طوری که گروه سنی بالای ۵۰ سال بالاترین نمرات را در این متغیرها کسب کردند. این نتیجه با نظریه‌های جامعه‌پذیری سیاسی مطابقت دارد که بر تجربه زیسته به‌عنوان عامل شکل‌دهنده نگرش‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. همچنین، یافته‌ها درباره نقش مثبت تحصیلات عالی در افزایش اعتماد اجتماعی (میانگین ۲۳.۰۳ برای فوق‌لیسانس و بالاتر) با پژوهش‌های بین‌المللی مانند مطالعه *Baireysville & Oris (2023)*، همسوست که بر ارتباط بین سطح تحصیلات و مشارکت اجتماعی تأکید داشتند.

در زمینه رضایت‌مندی، یافته‌ها نشان داد که این متغیر نه تنها نتیجه بهبود سایر مؤلفه‌هاست، بلکه خود می‌تواند به‌عنوان محرکی برای تقویت مشارکت و اعتماد اجتماعی عمل کند. این نتیجه با نظریه *Maslow's (1943)* درباره سلسله مراتب نیازها و دیدگاه *Safdari (1995)* درباره رضایت‌مندی به‌عنوان معیار عدالت فضایی همخوانی دارد. همچنین،

همسو با پژوهش *Rahmani Lashgari & et al. (2024)*، مناطق با رضایت‌مندی بالاتر (مانند منطقه ۳ با ۳۰.۶۸) از سطح مشارکت و انسجام اجتماعی بالاتری برخوردار بودند.

در مجموع نتایج انجام شده حاکی از این است که برای بهبود وضعیت اجتماعی باید اقداماتی جدی در سطوح مختلف از جمله ۱. در سطح نهادها و ساختارهای رسمی، ۲. جامعه و اجتماعات مردمی و ۳. نهادها و سازوکارهای واسط اجتماعی صورت گیرد. زیرا با توجه به درهم تنیدگی مفاهیم اجتماعی با شرایط و متغیرهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی (مانند موفقیت سازمان‌ها در پاسخگویی به مشکلات مردم و تحقق اهداف جمعی، تقویت اعتماد در دو بُعد صداقت و کارایی، عدالت و برابری و ...) لازم است این مفاهیم به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرند. شایان ذکر است هر چه میزان سرمایه اجتماعی مردم (به مثابه کلان مفهوم وضعیت اجتماعی) کاهش پیدا کند، ارزیابی آن‌ها از وجود مشکلات در کشور بیشتر می‌شود و چشم‌انداز آن‌ها نسبت به آینده تیره‌تر می‌شود. در همین رابطه باید گفت وقتی اعتماد مردم به واسطه عدم توفیق مسئولین و سازمان‌ها در حل مشکلات خدشه‌دار شده است، در چنین شرایطی بین «ادارک مردم از واقعیت» و «واقعیت» فاصله ایجاد می‌شود. به‌عنوان مثال اگر بخواهیم کشورمان را بر اساس یک‌سری شاخص‌ها از جمله برخورداری از امکانات عمومی (آب و برق و ...) ، بهداشتی (بیمارستان، دارو و ...) و آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) در رتبه‌بندی کشورهای دنیا بررسی کنیم، جایگاهی متوسط را برایش می‌توان متصور بود؛ ولی متأسفانه بر مبنای ادراک مردم، وضعیت کشور ما چندان مناسب نمی‌باشد. لذا بایستی به این موضوع مهم اشاره کرد که یکی از نشانگان فرسایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه این است که بین «واقعیت» و «ادراک مردم از واقعیت» شکاف وجود داشته باشد، اینکه ادراک و ارزیابی مردم از واقعیات با خود واقعیات همخوان و هم‌نوا نباشد، نشانه خوبی نیست چرا که افراد به وسیله ادراکات خود، پنداشت‌ها و برداشت‌هایی را که از محیط خود دارند، تنظیم و تفسیر می‌کنند و بدین‌وسیله به آن‌ها، معنی می‌دهند و بر اساس همین ادراکات، عملکرد سازمان‌ها و نهادها را نیز تحلیل می‌کنند. لذا لازم است سیاست‌گذاری اجتماعی به سمت تقویت سرمایه اجتماعی و بصورت خاص افزایش مشارکت، اعتماد و رضایت برود تا ضمن کاهش شکاف بین واقعیات و ادراک از واقعیات در جامعه، به افزایش تاب‌آوری اجتماعی مردم نیز کمک کنند.

در این راستا باید افزود که پایداری جامعه به حفظ انگیزش‌های اثباتی و نگرش‌های تأییدآمیز و تجمیع قدرت اجتماعی حول اهداف و ارزش‌های ملی که مقوم انسجام، پیوند، همنوایی و معاضدت متقابل است، بستگی دارد. حفظ و پایداری روحیهٔ جمعی نیز، منوط به

تحقق اهداف جمعی و قدرت مجاب‌سازی و تعمیق حس خشنودی و خرسندی آحاد جامعه هم در عرصهٔ زندگی فردی و هم نسبت به روندهای اقتصادی ـ اجتماعی است. بدین معنا که «سرمایه اجتماعی» عاملی برای «تقویت اعتماد متقابل تعمیم‌یافته»، «حفظ وفاق جمعی»، «حفظ عواطف و پیوستگی‌های عاطفی بین آحاد جامعه»، «گسترش سطح امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده» و «تقویت امنیت فردی و احساس امنیت جمعی» است. بنابراین سرمایه اجتماعی را باید بنیانی برای حفظ نظم و پایداری روانی و اجتماعی در نظر آورد که از آحاد جامعه در مقابل متغیرهای نگران‌کننده دفاع کرده و آنان را برای حضور و مشارکتی اثربخش در روندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آماده می‌نماید و در نهایت رضایت سیاسی و اجتماعی را ارتقاء می بخشد.

در سال‌های اخیر و متعاقب تحمیل تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و معیشتی ناشی از آن بر عموم مردم، سرمایه‌های اجتماعی دچار اختلالات و نوساناتی شده است که در نتایج بدست آمده از پژوهش‌ها و تحقیقاتی که در سطح ملی نیزانجام گردیده، قابل مشاهده است (مراجعه شود به گزارش‌های پیمایش ملی سرمایه اجتماعی ۱۳۹۴، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰). نکته تأمل‌برانگیزی در فرایند سیاست‌گذاری استراتژیک، مدیریت سرمایه‌های اجتماعی است که عموماً باید مد نظر سیاست‌گذارن و مسئولان قرار گیرد؛ این امر نیازمند بسیج امکانات و منابع ملی و مردمی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی و استعانت از پشتوانه‌ای است که در قالب فرصت، ظرفیت و امکان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، رسانه‌ای، گفتمانی و ... وجود دارد. ضعف و تأخرشناختی و یا عدم تحلیل دقیق روند تغییرات سرمایه‌های اجتماعی از جانب پژوهشگران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ملی، جامعه را در معرض آشفتگی‌هایی قرار می‌دهد که بازسازی و ترمیم ذهنیت‌ها، احساسات و نگرش‌های آسیب‌دیده جامعه، بسیار مشکل خواهد ساخت. از این‌رو در روند سیاست‌گذاری اجتماعی استفاده از ظرفیت‌های موجود در کشور (که به برخی از آنها در این نوشتار اشاره شد) بسیار مهم است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اجتماعی اهواز از یک‌سو با چالش‌های ساختاری مانند نابرابری فضایی، کاهش اعتماد نهادی و محدودیت مشارکت در مناطق حاشیه‌نشین مواجه است و از سوی دیگر، نقاط قوتی مانند سطح بالای قانون‌گرایی در مناطق برخوردار و رابطه مثبت تحصیلات با سرمایه اجتماعی وجود دارد. برای بهبود این وضعیت، پیشنهاد می‌شود: برای بهبود وضعیت اجتماعی شهر اهواز، لازم است راهکارهای جامع و یکپارچه‌ای در پیش گرفته شود. نخستین گام، تقویت اعتماد نهادی است که می‌تواند از طریق شفاف‌سازی عملکرد ادارات و افزایش پاسخگویی مسئولان محقق شود.

این رویکرد، مطابق با یافته‌های *Luhmann & Newton (2001)*، به کاهش عدم قطعیت در روابط اجتماعی و افزایش اعتماد شهروندان به نهادهای حکومتی منجر خواهد شد. دوم، گسترش فرصت‌های مشارکت شهروندان از طریق ایجاد سازوکارهای نوین مانند بودجه‌ریزی مشارکتی است که تجربه موفق آن در پژوهش *Alvarado Vazquez (2024)*، در مکزیک به اثبات رسیده است. این روش نه تنها حس تعلق شهروندان را تقویت می‌کند، بلکه به توزیع عادلانه‌تر منابع و بهبود کیفیت مدیریت شهری کمک می‌نماید. سوم، کاهش نابرابری‌های فضایی با توزیع عادلانه‌تر منابع و خدمات شهری، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین، از دیگر راهکارهای کلیدی است. این اقدام، همسو با نظریه عدالت توزیعی *Fuller (1969)* می‌تواند زمینه‌ساز افزایش رضایت‌مندی و کاهش محرومیت در این مناطق شود. چهارم، فرهنگ‌سازی قانون‌گرایی از مسیر آموزش شهروندی و تقویت نهادهای مدنی نظارتی است که بر اساس دیدگاه *Weber's (1922) as Cited in Ritzer (2014:76)* درباره حاکمیت عقلانی ـ قانونی، به نهادینه شدن احترام به قانون و کاهش رفتارهای ناهنجار اجتماعی منجر خواهد شد. گام آخر، طراحی برنامه‌های توسعه محله‌محور با توجه به ویژگی‌های خاص هر منطقه، به ویژه در حوزه‌های با سطح پایین مشارکت و اعتماد، می‌تواند به‌عنوان راهکاری کارآمد در دستور کار قرار گیرد. این برنامه‌ها با تمرکز بر نیازهای واقعی ساکنان و استفاده از ظرفیت‌های محلی، قادرند به بهبود شاخص‌های اجتماعی در سطح خرد بینجامند. ترکیب این راهکارها در قالب یک برنامه یکپارچه می‌تواند چرخه معیوب فعلی را به چرخه‌ای مثبت از اعتماد، مشارکت و قانون‌گرایی تبدیل کند و زمینه را برای تحقق توسعه پایدار شهری در اهواز فراهم آورد. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که تحقق توسعه پایدار شهری در اهواز مستلزم نگرشی سیستمی و یکپارچه است که همزمان به تقویت اعتماد اجتماعی، گسترش مشارکت شهروندان، نهادینه کردن فرهنگ قانون‌گرایی و افزایش رضایت‌مندی توجه کند. تنها از این طریق می‌توان چرخه معیوب فعلی را به چرخه‌ای فضیلت‌مند تبدیل کرد که در نهایت به ارتقای کیفیت زندگی تمام شهروندان اهواز بینجامد.

References:

Afrasiabi, M., & Soltani Fard, H. (2024). “Evaluating the role of public participation in the development and maintenance of urban green spaces (Case study: Green space of Quchan city)”, Environmental Science, 50 (2), 147–166. (Persian).

Amouzadeh, A., Kord Zanganeh, M., & Dorosti, A. A. (2024). “Investigating the Social Factors Affecting Political Participation (Case Study: The Participation of Ilam Province Citizens in the 11th Islamic Consultative Assembly Elections)”, Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), 18(3), 221-251. doi: 10.22055/qjsd.2024.41809.2725. (Persian).

Alvarado Vazquez, S., Madureira, A. M., Ostermann, F. O., & Pfeffer, K. (2024). “Social participation in planning, design, and management of public spaces: the case of Mexico. Planning Practice & Research, 1-32. https://doi.org/10.1080/02697459.2024.2315391.

Alipour, R. & et. al. (2009). Poverty and its impact on social life, Tehran: Research Center. (Persian).

Amirkafi, M. (1996). Social trust and its influencing factors (Master's thesis). Shahid Beheshti University. (Persian).

Amirkafi, M. (2001). “Social trust and its influencing factors”, Research Index, 5 (18), 10-42. (Persian).

Ansari, A. (1999). Law-abidingness in the conduct and speech of the Infallibles (peace be upon them), Farhang-e Kowsar, 25, 77–87. (Persian).

Aristotle (2023). Politics (H. Enayat, Trans.), Tehran: Elmi Farhangi. (Original work published n.d.). (Persian).

Azkia, M., & Ghaffari, G. (2004). Rural development with emphasis on Iranian rural society. Tehran: Nay. (Persian).

Bureau, A. (1991). Dictionary of social sciences (B. Saroukhani, Trans), Tehran: Kayhan. (Persian).

Baeriswyl, M., & Oris, M. (2023). Social participation and life satisfaction among older adults: Diversity of practices and social inequality in Switzerland. Ageing & Society, 43(6), P.p: 1259-1283.

Chelabi, M. (1996). Sociology of order, Tehran: Ney. (Persian).

Coleman, J. (1998). Foundations of social theory (M. Sabouri, Trans), Tehran: Nay. (Original work published 1990). (Persian).

Coleman, G.W. (1993). Social Poblems, tlarpercollins, new yourk.

Coleman, J. (1990). Foundations of Social Theory, Cambridge: Harvard university press.

Durkheim, E. (1893). The division of labor in society. (Persian).

Ehsani, S. R.; Soltani Fard, H.; Qodrati, K.; & Hadi, A. (2024). "Evaluating the role of public participation in the development and maintenance of urban green spaces (Case study: Green space of Quchan city)", Environmental Science, 50 (2), 147–166. (Persian).

Fazeli, A., Adhami, N., & Feizallah, N. (2023). "Sociological study of factors affecting social participation (Case study: Javanroud and Ravansar counties)", Sociology of Culture and Art, 5 (3), 203-219. (Persian).

Fukuyama, F. (1999). Social capital and civil society. The Institute of Public Policy, George Mason University. (Persian).

Hezarjaribi, J., & Yari, H. (2012). "The relationship between social trust and sense of security among Tehran citizens", Social Welfare and Development Planning, 12, 31-58. (Persian).

Hezarjaribi, J., & Safari Shali, R. (2013). "Analysis of the community-oriented program for preventing social harms among women", Police Research and Criminal Studies, 8 (2), 31-58. (Persian).

Haoran Xu & Xiaomei Liu (2025). "Social Participation in Community Corrections: A Qualitative Analysis of Justice Practices in China", Criminal Justice and Behavior, 52(2), 197-213. https://doi.org/10.1177/00938548241286863.

Inglehart, R. (1994). Cultural shift in advanced industrial society (M. Vatar, Trans.), Tehran: Kavir. (Original work published 1990). (Persian)

Javadi Yeganeh, M. R., Fooladin, M., & Rezaei Bahrabad, H. (2011). Investigating factors affecting law-abidingness in the country's administrative system. Knowledge Evaluation, 2 (5), 9-35. (Persian).

Luhmann, N. (1995). Social systems.

Fuller, L. L. (1969). The morality of law.

Fukuyama, F. (1999). Trust: The social virtues and the creation of prosperity, New York: Free Press.

Lotfalizade, Zadeh, E., Amini, Y., & Hosseinzadeh, A. H. (2022). "Investigating the Factors Affecting Citizens' Social Participation in Urban Affairs (Case Study: The 8 Districts of Ahvaz)", Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development), *17*(2), 115-144. doi: 10.22055/qjsd.2022.32312.2142. (Persian).

Levasseur, M., Lefebvre, H., Levert, M. J., Lacasse-Bédard, J., Lacerte, J., Carbonneau, H., & Therriault, P. Y. (2024). "Feasibility of Increasing Social Participation for Older Adults with Disabilities. Activities", Adaptation & Aging, 48(2), 305–335. https://doi.org/10.1080/01924788.2023.2204578.

Luhmann, N. (1995 a). Social Systems, Stanford: Cal. Stanford University Press.

Maslow, A. H. (1943). A theory of human motivation. Psychological Review, 50 (4), 370-396.

Merton, R. K. (1938). Social structure and anomie. American Sociological Review, 3 (5), 672-682. (Persian).

Mohammadi Shekiba, M. (1996). Title of work, Tehran: Publisher. (Persian).

Plato, S. (2024). The Republic (F. Rohan, Trans.), Tehran: Negah. (Original work published n.d.). (Persian).

Putnam, R. D. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital", Journal of Democracy, 6 (1), 65-78.

Putnam, R. D. (2000). Bowling alone: The collapse and revival of American community. Simon & Schuster.

Rahmani Lashgari, A., Estelaji, R., Rajabi, A., & Vali Shariat Panahi (2024). "An analysis of the role of participation in the sustainable social development of neighborhoods, a case study: Neighborhoods in District 8 of Tehran", Applied Research in Geographical Sciences, 24 (72), 99-114. (Persian).

Ritzer, G. (2014). Sociological theory (A. Alizadeh, Trans.), Tehran: Ferdows (Original work published n.d.). (Persian).

Putnam, R. D. (1995). Making democracy work: Civic traditions in modern Italy, Princeton, N. J.: Princeton University Press.

Seligman, A. B. (1998). The Problem of Trust, Princeton University Press.

Safari Shali, R. (2024). Analysis of social capital among Iranians (as a macro concept explaining social status), Social Sciences Quarterly, 31 (104). (Persian).

Safari Shali, R., & Hezarjaribi, J. (2013). "Analysis of the community-oriented program for preventing social harms among women", Police Research and Criminal Studies, 8 (2), 31–58. (Persian).

Safdari, S. (1995). Social satisfaction and its influencing factors (Master's thesis), Shahid Beheshti University. (Persian).

Seligman, A. B. (1998). "Trust and sociability: On the limits of confidence and role expectations", American Journal of Economics and Sociology, 57 (4), 391-404.

Shaji'zand, A. R. (2000). Anti-order and lawlessness. Security, [Issue Number], 32–34.

Sheikhi, M. T. (1998). Cultural development as a prerequisite for society's law-abidingness-A sociological analysis. Proceedings of the Conference on Law and Law-Abidingness and Its Impact on Public Culture. Urmia: General Department of Islamic Culture and Guidance. (Persian).

Simmel, G. (1900). The philosophy of money.

Soltani, A., Azgoli, A., & Ahmadi Niya Alashti, S. (2016). An introduction to the critique of Maslow's hierarchy of needs theory. Organizational Behavior Studies, 17 (5), 145–172. (Persian).

Suurendonk, M. (2022). The metamorphosis of friendship. Brill.

Suurendonk, M. (2022). The Conditional View of Trust. In Metaphysics of Trust: On Freedom and Calculation in Social Cooperation (pp. 7-54). Cham: Springer International Publishing.

Wilkinson, R. (2009). The Spirit Level: Why More Equal Societies Almost Always Do Better. Penguin.

Tavassoli, G. A. (2003). Social participation in the conditions of an anomic society. Tehran: University of Tehran Press. (Persian).

Weber, M. (1922). Economy and society.

Wilkinson, R., & Pickett, K. (2009). The spirit level: Why more equal societies almost always do better. Allen Lane.

Zahedi Mazandarani, M. J. (2004). Development and inequality, Tehran: Maziar. (Persian).

Zainabadi, M. (2008). Examining the state of trust in Iranian society and ways to rebuild it. Strategic Research Institute of the Expediency Council, Cultural and Social Research Group, Research Letter 16, 33–67. (Persian).

Zolfaghari, M. (2021). Analysis of social factors affecting political trust from the perspective of public opinion in Yazd, Iranian Political Sociology, 13 (4), 308–342. (Persian).

A Sociological Examination of the Social Position Profile among Citizensofahvaz (A Study of Four Key Indicators of Social Position)

Reza Safari Shali (Ph.D)[1], *Mohammad Shamshiri Niri*[2]

DOI: 10.22055/QJSD.2025.49681.3071

Abstract:

This study, framed within the positivist paradigm and employing a deductive strategy with a quantitative approach, examines the social status (focusing on four key variables: social participation, rule adherence, social trust, and satisfaction) among citizens aged 18 and above in Ahvaz, Iran. The statistical population consisted of residents from eight urban districts, with a multi-stage cluster sampling method used to select 3,400 participants based on Cochran's formula. Data were collected via a researcher-designed questionnaire, which included components such as practical participation, participatory attitudes, rule adherence, social trust, and satisfaction. The data were analyzed using SPSS software, along with one-way *ANOVA* and independent t-tests.The findings revealed significant differences ($p<0.001$) in levels of social participation, participatory attitudes, rule adherence, social trust, and satisfaction across different districts.District 6 hadthehighest practicalparticipation score (23.96). District3 ranked zhighest in participatoryattitudes (18.00), ruleadherence (29.29), social trust (24.56), and satisfaction (30.68). Men, individuals over 50, married individuals, those with higher education, and the Lur ethnic group showed the highest means in participatory attitudes.The Persian ethnic group scored highest in rule adherence and satisfaction. This study provides a comprehensive overview of social participation across Ahvaz's neighborhoods and can serve as a foundation for social planning aimed at strengthening social capital and promoting sustainable urban development.

Key Concepts: *Corruption, Political Will to Fight Corruption, Indicators of Political Will, Good Governance, Evaluation*

[1] Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Human Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author), reza_safaryshali@khu.ac.ir

[2] PhD student of Sociology-Cultural Policy, Kharazmi University, Tehran, Iran, mohammad.shamshiri@khu.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).